

گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق^۱

امید علی احمدی^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۲/۱۵)

چکیده

طلاق یکی از آسیب‌های مهم در زندگی‌های خانوادگی است. اهمیت طلاق به حدی است که می‌توان سلامت خانواده و تغییراتی را که در پایداری آن پدید می‌آید، به واسطه شاخص‌های طلاق به دست آورد، اما به این موضوع کمتر توجه شده است که طلاق و وضعیت خانواده را نمی‌توان همواره سیاه یا سفید دید. وضعیت اغلب خانواده‌ها از حیث سلامت و استحکام خاکستری است. به بیان دیگر، باید طیفی را در نظر گرفت که یک‌سوی آن خانواده کاملاً سالم و پایداری قرار دارد که در آن احتمال و خطر طلاق نزدیک به صفر است، و در سوی دیگر، به هم‌ریختگی سامان خانواده و طلاق وجود دارد. تحقیق حاضر با نمونه‌ای ۱۲۰۰ نفری از زنان متأهل تهرانی انجام شده است. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ای است که خجسته‌مهر و تکریمی برای زوج‌های طلاق گرفته اجرا کرده‌اند. متناسب با ابعاد متغیر خطر طلاق، نوعی گونه‌شناسی با توجه به تهدیدهای خانواده و خطر طلاق به دست آمده است. مهم‌ترین یافته تحقیق، ارائه گونه‌شناسی خطر طلاق در خانواده‌های عادی بوده است. در این تحقیق روشن شد که با ثابت‌نگاه داشتن متغیر قشر اجتماعی یا کنترل کردن آن، بین متغیرهای میزان تهدیدهای خانواده و خطر طلاق، هم‌بستگی بسیار ضعیفی برقرار می‌شود؛ بنابراین، ممکن است با خانواده‌هایی مواجه باشیم که با وجود سطح تهدید بالا، خطر طلاق در آنها اندک است یا برعکس.

۱. این مقاله برگرفته و مستخرج از تحقیقی است با عنوان «شیوع‌شناسی طلاق در شهر تهران» که به سفارش معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران صورت گرفته است.
۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

omidaliahmadi@gmail.com

واژگان کلیدی: خطر طلاق در خانواده، تهدیدهای خانواده، طلاق، خانواده ایرانی.

بیان مسئله

طلاق به گونه‌ای گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج با شروط و مقرراتی خاص گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۷۵، ۱۶۹). از دیدگاه گاتمن، طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (یوسفی و سهرابی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). روند طلاق در جوامع انسانی در چند دهه گذشته روبه‌رشد و در یکی دو دهه اخیر نسبتاً ثابت بوده است. حدود ۵۰ درصد از ازدواج‌های اول زوج‌ها و ۶۰ درصد از ازدواج‌های مجدد به طلاق ختم می‌شود (کوهن، ۲۰۰۲: ۱۰۱۹).

مقایسه درصد رشد سالانه تعداد ازدواج‌ها با درصد رشد سالانه تعداد کل جمعیت در کشور طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد که طی همه این سال‌ها، رشد سالانه تعداد ازدواج‌ها در کشور از متوسط رشد سالانه جمعیت کشور بیشتر بوده است. این تفاوت نیز غالباً ناشی از تغییرات ساختار سنی جمعیت است. از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به‌طور تدریجی نسبت طلاق به ازدواج افزایش یافته است، به‌نحوی که در سال ۱۳۸۰، درمقابل هر ۱۰۰ ازدواج، ۱۰/۲۳ طلاق روی می‌داد و در سال ۱۳۹۰، درمقابل هر ۱۰۰ ازدواج، ۱۶/۳۲ طلاق روی داده است. این تغییر در بازه زمانی ده‌ساله بسیار شتابان به‌نظر می‌رسد، ضمن آنکه تا سال ۱۳۸۸، رشد زیاد شتابان نبوده و پس از ۱۳۸۸، به‌یک‌باره، چندبرابر سال‌های پیش شده است. این نکته با توجه به آنکه بخش بزرگی از طلاق‌ها در سال اول و دوم ازدواج روی می‌دهد جای تأمل دارد (مجموعه اطلاعات آماری ثبت احوال، ۱۳۹۲). آخرین اطلاع در دسترس شاهد آن است که در سال ۱۳۹۴ نسبت ازدواج به طلاق‌های ثبت‌شده ۴،۲ است؛ به‌عبارت دیگر، در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج، ۲۳ طلاق به‌ثبت رسیده است^۱.

اگرچه طلاق روی‌دادی مهم در زندگی خانواده است، نمی‌توان آن را صرفاً حادثه‌ای در یک مقطع خانواده تلقی کرد. طلاق در متن مناسبات خانوادگی به‌تدریج رشد می‌کند و در زمانی که زمینه برای گسیختن خانواده بیش از زمان‌های دیگر مناسب باشد، همسران را وادار به

۱. مهرخانه، پایگاه تحلیلی-خبری خانواده و ازدواج (۱۳۹۶) «بررسی و مقایسه آماری طلاق‌های ثبت‌شده طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵، دسترسی در: <http://mehrkhane.com>.

جدایی می‌کند؛ بنابراین، خطر طلاق همواره و در همه خانواده‌ها وجود دارد، شدت و ضعف آن اندازه‌گرفتنی است و می‌توان در هر مقطع، با شناخت اندازه آن، خانواده را از خطر دور کرد. پس از پاسخ‌دادن به این سؤال مهم درباره اندازه خطر، لازم است به علل یا دلایل افزایش یا کاهش خطر طلاق هم پرداخته شود.

در این مقاله، سعی خواهد شد تا خانواده‌های عادی شهر تهران از حیث نزدیکی و دوری به خطر طلاق توصیف شوند و سپس با استفاده از امکان تحلیل خوشه‌ای، گونه‌شناسی صورت گیرد. آنچه به پرسش این تحقیق و جاهت می‌دهد این است که تاکنون مطالعات زیادی در باب طلاق صورت گرفته است، اما خطر طلاق در خانواده‌های عادی کمتر بررسی شده است. در این مقاله نشان داده می‌شود که خانواده‌ها از حیث خطر طلاق قابلیت گونه‌شناسی دارند و این گونه‌شناسی، با توجه به متغیرهای دیگری چون قشر اجتماعی و تهدیدهای خانواده، می‌تواند معنای جدیدی از این مفهوم ارائه کند.

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- الف. چگونه می‌توان میزان خطر طلاق را در خانواده‌های شهر تهران اندازه‌گیری کرد و خانواده‌ها از این حیث به چه گونه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند؟
- ب. کدام متغیرها در گونه‌شناسی خانواده‌ها از حیث خطر طلاق اهمیت بیشتری دارند؟

پیشینه پژوهش

در کشورهای اروپایی و امریکایی، طلاق را بیشتر به ضعف در برقراری ارتباط، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی‌وفایی و خیانت، برآورده‌نشدن انتظارات، اعتیاد، سوءاستفاده جنسی و فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل مرتبط می‌دانند در ایران، با استناد به پژوهش‌های انجام‌شده، توقعات بی‌جا، تجمل‌گرایی، هوس‌بازی برخی همسران، درک‌نکردن یک‌دیگر و دخالت‌های بی‌دلیل اطرافیان، بعضی از دلایل مرتبط با طلاق بیان شده است (قطبی، ۱۳۸۲؛ نقل از مشکى و همکاران ۱۳۹۰: ۳۷).

زرگر و نشاط دوست (۷۳۸:۱۳۸۶). نشان داده‌اند که بیشترین علل تقاضای طلاق، به ترتیب، مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوج‌هاست. رحیمی نشان داده است که علل و عوامل طلاق عبارت‌اند از: عدم تفاهم اخلاقی، تمکین‌نکردن، بی‌کاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، دخالت دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی. سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲: ۱۴۱). نشان داده است که علت‌های طلاق، به ترتیب، نداشتن توافق

اخلاقی، اختلاف خانوادگی، اختلاف داخلی، نداشتن سازگاری، اعتیاد، تمکین نکردن، عقیم بودن، نداشتن بچه و ندادن خرجی است.

ساروخانی در این زمینه گفته است: «برخی از علل طلاق عبارت‌اند از نداشتن توافق اخلاقی، تنفر و کراهت زوجه، تنفر و کراهت زوج، اختلافات خانوادگی، عقیم بودن و نازایی زن، ندادن نفقه، اختلاف سن، زندانی بودن زوج، بد رفتاری زوج، بیماری‌های زوج، داشتن زن‌های دیگر، اعتیاد، انحراف زوجه، عدم تمکین، فساد اخلاقی زوج، بی‌کاری، آزار بدون علت» (ساروخانی: ۱۳۷۶). در تحقیقات جدید، فاتحی دهقانی و نظری (۱۳۹۰) نشان داده‌اند که میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی همسران، میزان تفاوت منزلت بین زوج‌ها، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند که از این میان، متغیرهای میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوج‌ها و میزان تفاوت منزلتی زوج‌ها بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به طلاق داشته‌اند.

اسکافی نوغانی و ترکمان (۱۳۹۴) تحقیقی درباره رابطه طلاق با شبکه‌های اجتماعی در شهر مشهد انجام داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که حمایت، انسجام، قوت پیوند و فعالیت‌های مشترک با صمیمیت با همسر رابطه دارند و صمیمیت با همسر بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی داشته است.

مبانی نظری

نظریه‌ها و رویکردهای جامعه‌شناختی در تحلیل طلاق بسیار متنوع‌اند. پیدایش طلاق ممکن است در تغییرات عمومی و کلان نظام اجتماعی و فرهنگی ریشه داشته باشد، نظیر میزان توسعه اجتماعی-فرهنگی، بی‌سازمانی اجتماعی، اختلال در نظم نهادین؛ یا ممکن است به عوامل سطح میانه مربوط باشد، مثل تأثیر نظام خانواده، نظام ارتباطات، مناسبات شهروندی، مناسبات دینی، نظام آموزشی و تربیتی؛ و در آخر، امکان دارد به عوامل سطح خرد مربوط باشد، از جمله ویژگی‌های سنی، جنسی، نوبت ولادت، وضع مناسبات فرد با اعضای خانواده و... در اینجا، صرفاً به مهم‌ترین نظریه‌ای که در دسته‌بندی علل طلاق به کار رفته است اشاره می‌شود:

خانواده به منزله نظام اجتماعی

خانواده "اجتماع" یا "ما"یی کوچک است که در آن تعهدات اجتماعی و علقه‌های زناشویی (پیوند دوستی) نسبتاً پایدار بین دست‌کم دونفر (زن و مرد) با پشتوانه تعامل گرم و انتشاری وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۹). در خانواده، به منزله یک اجتماع کوچک، مانند هر اجتماع

دیگر، دو عنصر اجتماعی به لحاظ مفهومی اساسی تلقی می‌شود: اول تعهد^۱ و دوم علقه اجتماعی. درباره تعهد ذکر این نکته ضروری است که «به لحاظ مفهومی، در تعهد نوعی ضرورت نهفته است: ضرورت برای کسی در انجام چیزی» (همان، ۷۰). در خانواده نیز تعهد به همین معنا به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر، هریک از اعضا ضرورتاً باید درقبال کل خانواده یا تک تک اعضای آن از چهارنظر در خود ضرورت انجام تکلیف (تعهد) احساس کند:

الف) درقبال کنترل منابع اقتصادی در خانواده (A)

ب) درقبال اهداف جمعی در خانواده (G)

پ) درقبال مناسبات اجتماعی-ارتباطی در خانواده

ت) درقبال ارزش‌های خانوادگی.

در خانواده باید علقه اجتماعی^۲ وجود داشته باشد. با توجه به ابعاد علقه ارتباطی، می‌توان به معنای مشخص‌تری از آن دست یافت: الف) علقه در بدهستان خانوادگی (A) ب) علقه در تنسيق اجتماعی محیط (G) پ) علقه اجتماعی به خانواده و اعضای آن (I) ت) علقه در فهم روابط بین‌ذهنی (L).

از آنجا که «نتیجه ترکیب تعهد اجتماعی^۳ با علقه اجتماعی هنجار اجتماعی در معنای دورکیمی است» (جلبی، ۱۳۷۵: ۷۱)، می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر در تحلیل خانواده، هنجار است.

به لحاظ نظری و با توجه به تحول‌های روی داده و واقعیات مشاهده‌پذیر در خانواده ایرانی، می‌توان گفت دو نشانه اساسی تضعیف نهاد خانواده در ایران ممکن است کاهش تعهدات خانوادگی و نیز کاهش علقه‌های خانوادگی باشد؛ بنابراین، اگر در کلیت نظام خانواده یا در هر خانواده با این دو نشانه مواجه شویم، می‌توان پیش‌بینی کرد که به احتمال قوی، میزان طلاق در جامعه یا احتمال وقوع طلاق در یک خانواده افزایش یابد.

جدول ۱. مفاهیم نظریه نظام‌ها و ارتباط آن با خانواده (منبع: علی‌احمدی، ۱۳۹۴)

خرده نظام کنش	علا ئم	تکالیف کارکردی	پاسداران نظم	مصادیق در خانواده	اعمال نظم	نوع حيله یا تخلف	نوع طلاق	سطح و نوع طلاق	سطح واقعیت
اقتصاد	A	سازگاری	پول	حقوق، رابطه مالی، امکانات مالی، تجهیزات	اقتدار (توانایی)	حیله علمی	مالی - پولی	تخطی از سازگاری محیطی / فردی / روانی	عینی - خرد

1. Commitment
2. Interest
3. Communal Commitment

خرده نظام کنش	علا ئم	تکالیف کارکردی	پاسداران نظم	مصادیق در خانواده	اعمال نظم	نوع حیلۀ یا تخلف	نوع طلاق	سطح و نوع طلاق	سطح واقعیت
								فیزیولوژیک	
سیاست	G	هدف رسی	زور	تسلط و تصمیم‌گیری	پیروی	حیلۀ ایدئولوژیک	قدرتی	تخطی از مقررات و هنجارها	عینی - کلان
اجتماع	I	انسجام	تعهد	روابط همکاری روابط زوجینی و زناشویی	جذبۀ	حیلۀ اخلاقی	تعهدی	تخطی از معرفت اخلاقی	ذهنی - خرد
فرهنگ	L	حفظ و نگهداشت الگو	اندیشه	اعتقادات و آداب و رسوم	تسلط	حیلۀ فلسفی	اندیشه‌ای	تخطی از معرفت علمی	ذهنی

واقعیت اجتماعی طلاق، به‌منزله پدیده یا آسیبی اجتماعی، دارای ابعاد و عوامل گوناگون است. برای درک این تنوع می‌توان از دیدگاه‌های مختلف به طبقه‌بندی عوامل گوناگون وقوع و شیوع طلاق پرداخت. در ادامه، متناسب با اهداف و ضرورت‌های تحقیق، به دو معیار برای طبقه‌بندی می‌پردازیم: ۱. پیوستار خرد-کلان ۲. پیوستار ذهنی-عینی.

پیوستار ذهنی-عینی، که اهمیت آن از پیوستار خرد-کلان کمتر نیست، به‌این‌صورت قابل تشریح است: در اینجا، نظر بر این است که یک انگاره اجتماعی تلفیقی، باید به چهار سطح واقعیت اجتماعی بپردازد. در صورتی که بخواهیم علل طلاق را طبقه‌بندی کنیم، می‌توان از چهار دسته علت صحبت کرد: ۱. علل عینی-کلان؛ مثل بی‌هنجاری؛ ۲. علل ذهنی-کلان، مثل اختلال‌های هنجاری؛ ۳. علل عینی-خرد، مثل وضعیت سنی، جنسی، فیزیولوژیک و روان‌شناختی؛ ۴. علل ذهنی-خرد، مثل شناخت و تعاریف و معناشناسی متفاوت بین زوجها یا تفاوت در اولویت‌بندی مسائل و ارزش‌ها.

جدول ۲. دسته‌بندی ذهنی-عینی و خرد و کلان از متغیرهای مؤثر بر طلاق (منبع: علی‌احمدی، ۱۳۹۴)

متغیرهای کلان-ذهنی	ذهنی	متغیرهای خرد-ذهنی
باورهای مذهبی، پیوند مذهبی، تحمیلی یا غیرتحمیلی بودن ازدواج، تصور از مشکلات پس از طلاق، تعصب دینی، جامعه/فرهنگ، خوش‌بینی و بدبینی، سکولاریزم، فردگرایی، لیبرالیزم، مذهب و دین، میزان آگاهی از نقش پیش از ازدواج، ناهم‌سانی نژادی و مذهبی، نظر خانواده و دوستان فرد درباره طلاق، هزینه‌های جست‌وجوی شریک		اعتماد زوج، آسیب‌شناسی روانی، برآورده‌نشدن انتظارات از نقش همسری، بلوغ اجتماعی زوجها، بهره هوشی، تجربه تک‌والدبودن، تمایل به زندگی مستقل، خشنودی جنسی، درک و تفاهم اخلاقی، رضامندی زناشویی، سطح اطلاعات درباره زوج قبل از ازدواج، عدم توافق درباره داشتن فرزند، عدم تفاهم و فقدان ارتباطات، عدم علاقه، عقلانیت فرد، عوامل حوزه اضطراب، فکر کردن به طلاق، معنویت زناشویی، مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی، نارضایتی کلی زناشویی

گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق

متغیرهای کلان‌ذهنی	ذهنی	متغیرهای خرد‌ذهنی
کلان	طلاق	خرد
<p>آسیب‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و عاطفی، شیوع طلاق در جامعه محل زندگی، قومیت، ملیت، منطقه سکونت، نسبت جنسی در جامعه، نژاد، میزان طلاق در جامعه، حاشیه‌نشینی، رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، سختی‌های اقتصادی</p>		<p>داشتن والدین مطلقه و میزان تنش بین والدین جداشده قبل از طلاق، همسان همسری اجتماعی، رابطه خویشاوندی بین زوج‌ها، سن، اختلاف سن زوج‌ها، سن هنگام ازدواج و طلاق، پیش‌رسی، تحصیلات زنان و مردان، تحصیلات دانشگاهی، تفاوت تحصیلات، پایگاه اجتماعی، مالکیت منزل مسکونی، شغل فرد، شغل مردان، عدم اشتغال یا اشتغال شوهر، میزان درآمد زن، مرد و کل درآمد و فقر، هم‌باشی غیرمختوم به ازدواج و منجر به ازدواج، هم‌باشی‌های سریالی و مدت هم‌باشی، شروع روابط جنسی و داشتن شریک جنسی قبل از ازدواج، رابطه جنسی اجباری و غیرداوطلبانه، فاصله زمانی بین نخستین برخورد با شروع روابط، شیوه ازدواج، طول دوره زندگی مشترک، سال‌های سپری‌شده پس از ازدواج، سابقه ازدواج یا دفعات ازدواج، ازدواج بدون روابط جنسی، ازدواج مجدد، نارضایتی از رابطه جنسی و مسائل جنسی، نگرش به داشتن فرزندان بیشتر، جنس فرزند، داشتن فرزند، داشتن فرزندان از ازدواج‌های مختلف، اعتیاد همسر و بیماری‌های لاعلاج (سرطان)، رابطه فرد با خویشاوندان خود، خیانت، پایداری خانواده پدری، خشونت خانگی، تعارض‌های زناشویی، میزان تعامل زناشویی، تعداد فرزند و تعداد فرزندان طرفین طلاق، تعهد به وظایف خانوادگی، تقسیم کار در امور منزل، جداکردن امور مالی، جنس متقاضی طلاق، حمایت اجتماعی، روابط فراازدواجی شریک، دخالت خانواده و دوستان، دوست‌نداشتن شغل همسر، سازگاری زناشویی، سخاوتمندی و دست‌ودل‌بازبودن شوهر، سیگاری بودن یک یا هر دونفر، غفلت از خواست‌های همسر، میزان همکاری، مسئولیت‌های سنگین خانوادگی، ناسازگاری‌های شخصی و خانوادگی، ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر، نسبت وظایف و تکالیف ازدواج، نقش‌های مساوات‌طلبی</p>
متغیرهای کلان‌عینی	عینی	متغیرهای خرد‌عینی

بر مبنای مرور مطالعات انجام‌شده، می‌توان برخی فرضیه‌ها را طرح کرد و به برخی پیش‌بینی‌ها درباره چگونگی و چرایی واقعیت طلاق پرداخت. این فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌ها به شرح ذیل‌اند:

۱. طلاق آسیبی است که هر خانواده را تا اندازه‌ای تهدید می‌کند. این تهدید در طی چرخه زندگی خانواده تغییر می‌کند.

۲. خطر طلاق برای خانواده‌هایی که به یک‌اندازه با آن مواجهند، همواره به یک بُعد از طلاق مربوط نیست. ممکن است دو خانواده با خطرپذیری یکسان از دو بُعد مختلف از مخاطره‌های طلاق در رنج باشند.
۳. ابعاد خطر طلاق را می‌توان با توجه به طرح پارسونزی به چهار بعد اقتصاد، مدیریت، اجتماع و فرهنگ در خانواده مرتبط دانست.
۴. عوامل خطر طلاق قابل طبقه‌بندی به عوامل ذهنی و عینی‌اند و با ترکیب ابعاد گفته‌شده می‌توان به چهارگونه از علل یا عوامل طلاق دست یافت.
۵. نسبت اثر عوامل ایجادکننده خطر طلاق از یک مورد به مورد دیگر متفاوت است، اما می‌توان مشابهت‌هایی در خطر طلاق در زنان شاغل یا خانه‌دار (در این تحقیق) و اقشار اجتماعی مختلف پیدا کرد.

روش پژوهش

از آنجاکه در تحقیق گونه‌شناسی مطرح بوده است، ضرورتاً لازم بوده است روشی به کار رود تا این امکان را فراهم سازد. به همین دلیل، روش تحقیق از نوع تجربه مستقیم و مقطعی بوده است و داده‌ها از طریق تحقیق پیمایشی جمع‌آوری شدند. سپس، با تحلیل خوشه‌ای، امکان گونه‌شناسی فراهم شده است.

جامعه آماری تحقیق را کلیه زنان متأهل شهر تهران در تمام مناطق ۲۲گانه در تابستان سال ۱۳۹۳ تشکیل داده‌اند. تعداد تقریبی این زنان ۱/۵ میلیون نفر بوده است. از این تعداد، ۱۲۰۰ خانواده به‌مثابه نمونه تحت مطالعه قرار گرفته‌اند. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. برای نمونه‌گیری به اطلاعات موجود در شهرداری تهران درباره بلوک‌بندی‌های موجود در مناطق مراجعه شد و با توجه به تعداد ساکنان هر بلوک شهری، نمونه به مناطق، ناحیه‌ها و محله‌ها اختصاص یافت.

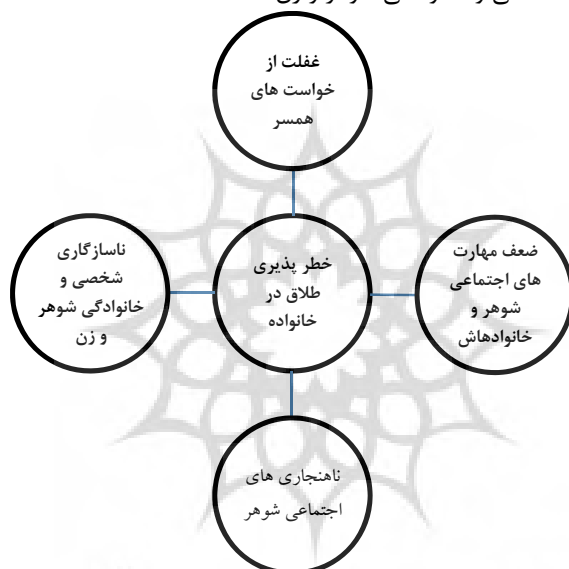
تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف عملی و مقدماتی برخی از متغیرهای تحقیق به این شرح است:

۱. **میزان خطر طلاق برای خانواده:** این متغیر به وسیله مقیاسی که خجسته‌مهر و تکریمی (khojastemehr and takrimi) در ۱۳۸۶ در استان خوزستان به کار برده و تصحیح کرده‌اند (۲۰۰۹) اندازه‌گیری شده است. در بخش یافته‌های تحقیق به گویه‌های این ابزار اشاره خواهد شد. برای تشخیص میزان اعتبار مقیاس از تحلیل عاملی استفاده شده است.

۲. دلایل اصلی تقاضای طلاق از سوی زن: با استناد به تحقیق خجسته‌مهر و تکریمی (۱۳۸۶)، مهم‌ترین عوامل درخواست طلاق از سوی زنان به چهار دسته کلی تقسیم می‌شود. البته، ممکن است این عوامل دلایل فردی برای تقاضای طلاق زنان نیز نامیده شود:

- غفلت از خواست‌های همسر
- ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش
- ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر
- ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن



نمودار ۱. ابعاد مفهومی خطر طلاق در خانواده

۳. تهدیدپذیری خانواده: میزان تهدیدپذیری خانواده از طریق جمع نمره‌های پاسخگو به گویه‌های ذیل به دست می‌آید:

نداشتن مسکن مناسب، ورشکستگی اقتصادی، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های درمانی، بی‌کاری سرپرست خانواده، کاهش سطح رفاه، افزایش تحمل‌ناپذیر هزینه‌های ماهانه، از کارافتادگی سرپرست، بی‌نظمی در امور مربوط به اعضای خانواده، بروز اختلاف خانوادگی بین والدین و فرزندان، کوتاهی سرپرست خانواده در انجام وظایف، ناتوانی در حل‌وفصل مشکلات بین اعضا، ناهماهنگی بین اعضا، نارضایتی از زندگی زناشویی، عدم تعهد اخلاقی شوهر به همسر، رابطه نامناسب والدین با فرزندان، روابط ضعیف و غیرصمیمانه با همسر، عدم تفاهم زن

و شوهر، ازدواج مجدد همسر، عدم مشارکت و هم‌یاری شوهر در امور، بی‌اعتمادی و بدبینی زن و شوهر به یک‌دیگر، نارضایتی والدین از فرزندان، اعتیاد یکی از اعضا، طلاق اطرافیان، عدم رعایت هنجارها از جانب فرزندان، اختلاف بر سر مسائل اعتقادی، گذران فراغت شوهر به صورت انفرادی، بزهکاری فرزندان، اختلافات زناشویی، ترک منزل یکی از فرزندان و مهاجرت یکی از اعضای خانواده به خارج کشور.

یافته‌های پژوهش

الف. توصیف جامعه آماری

پاسخگویان این تحقیق زنان متأهل در خانواده‌های ساکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران بوده‌اند. نمای میزان تحصیلات زنان مدرک تحصیلی دیپلم بوده است. نزدیک به ۶۳ درصد زنان دیپلم یا مدرک تحصیلی زیردیپلم داشته‌اند و کمتر از یک‌درصد آنان بی‌سواد بوده‌اند. مدرک فوق دیپلم و بالاتر در ۳۷ درصد جامعه مشاهده شده است و کسانی که مدرک بالاتر از کارشناسی داشته‌اند ۶/۳ درصد جامعه را تشکیل داده‌اند.

از نظر وضع اشتغال، نزدیک ۲۵ درصد زنان شاغل و بازنشسته بوده‌اند. ۶۶/۶ درصد خانه‌دار و بقیه بی‌کار یا دانشجو بوده‌اند. این توزیع با توزیع وضعیت اشتغال زنان در مناطق شهری تقریباً معادل است و نشان می‌دهد از این حیث نمونه خوبی از جامعه آماری برداشته شده است. باید در نظر داشت که زنان بررسی‌شده در گروه‌های متفاوت سنی قرار داشته‌اند و توزیع به دست آمده بر این مبنا واقعی به نظر می‌رسد.

از نظر نحوه زندگی، برای کسب اطلاع از نسبت خانواده‌های مستقل و خانواده‌های دارای ملحق (خانواده با ملحقان)، ۸۹ درصد از خانواده‌ها، خانواده‌های زن و شوهری با/ بدون فرزند/ فرزندان بوده‌اند که می‌توان آنها را با تسامح هسته‌ای دانست و از ۱۱ درصد بقیه، تقریباً ۷ درصد از زنان در خانه پدرشوهر زندگی می‌کرده‌اند و ۴ درصد نیز در خانه پدری زن.

تعداد فرزندان خانواده‌های بررسی‌شده برحسب زمان تشکیل خانواده متفاوت است. میانگین تعداد فرزندان در خانواده‌ها حدود ۱/۷۸ فرزند است. نما در جامعه تحت بررسی دوفرزدی و پس از آن تک‌فرزدی است. درصد کل خانواده‌هایی که دو فرزند یا کمتر دارند ۷۴/۸ درصد است و تا چهار فرزدی، این نسبت به ۹۴/۵ درصد ارتقا می‌یابد.

ب. شناخت عامل‌ها و ابعاد مختلف خطر طلاق در خانواده‌های معمولی با توجه به

نگرش زنان

با توجه به تعریف عملیاتی متغیر شدت خطر طلاق و تحلیل عاملی انجام‌شده، این متغیر به چهار بعد یا عامل به شرح جدول‌های ذیل تقسیم شده است. گفتنی است که تعداد گویه‌های مقیاس مورد استفاده ۹۳ گویه بوده است که به صورت ذیل دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۳. توزیع تعداد، میانگین و انحراف معیار گویه‌های بعد "غفلت شوهر از خواست‌های همسر"

متغیر شدت خطر طلاق در خانواده

ردیف	غفلت شوهر از خواست‌های همسر	میانگین	انحراف معیار
۱	شوهرم در خانه‌داری کمک نمی‌کند	۲,۰۴۳۸	۰,۸۲۸۷۴
۲	شوهرم با من درباره خرج و دخل پول تضاد دارد	۱,۹۹۲۶	۰,۷۹۲۵۲
۳	شوهرم به من در مناسبت‌های مختلف هدیه نمی‌دهد	۱,۹۸۴۱	۰,۸۱۸۰۶
۴	شوهرم از تلاش‌های من قدردانی نمی‌کند	۱,۹۷۰۱	۰,۸۱۳۶۶
۵	شوهرم امیدها و آرزوهای مرا نمی‌داند	۱,۹۵۶	۰,۸۰۹۷۳
۶	شوهرم با من درباره موضوعات روزانه مشورت نمی‌کند	۱,۹۳۸۱	۰,۸۲۷۴۸
۷	شوهرم به علاقه‌مندی‌های من توجه نمی‌کند	۱,۹۳۴۱	۰,۸۰۵۶۹
۸	شوهرم نامرتب و بی‌نظم است	۱,۹۳۱	۰,۸۲۴۹۷
۹	شوهرم با من درباره وظایف خارج از خانه تضاد دارد	۱,۹۱۴۹	۰,۸۱۰۳۱
۱۰	شوهرم در عمل به وعده‌های رضایت‌بخش عمل نکرده است	۱,۸۹۲۴	۰,۷۹۷۱۳
۱۱	شوهرم به خستگی‌های کار خارج از خانه من توجه نمی‌کند	۱,۸۸۷۵	۰,۷۹۶۴۲
۱۲	شوهرم اشتباهات مرا فراموش نمی‌کند	۱,۸۸۶۵	۰,۷۹۹۳
۱۳	شوهرم مسائل مرا نمی‌فهمد	۱,۸۶۴۶	۰,۸۰۲۸۷
۱۴	شوهرم موافق ادامه تحصیل من نیست	۱,۸۵۹۷	۰,۸۱۳۳۴
۱۵	شوهرم نداشتن بچه را تحمل نمی‌کند	۱,۸۵۹۷	۰,۸۱۳۳۴
۱۶	شوهرم با من و فرزندانش برای تفریح وقت نمی‌گذارد	۱,۸۴۳	۰,۸۰۰۲۸
۱۷	شوهرم طاققت مواجهه با مسائل زندگی را ندارد	۱,۸۳۲۹	۰,۷۷۵۹
۱۸	در رفتار مناسب داشتن، شوهرم آدم باتجربه‌ای نیست	۱,۸۲۳۷	۰,۷۹۶۴۵
۱۹	شوهرم مهارت کافی برای مواجهه با مسائل روزانه را ندارد	۱,۸۱۱۵	۰,۷۷۱۶۷
۲۰	شوهرم هم‌دردی کافی با من درباره بیماری‌ام ندارد	۱,۸۰۸۱	۰,۸۰۰۶۹
۲۱	شوهرم مرا در مشکلات حمایت نمی‌کند	۱,۸۰۴۷	۰,۷۸۷۴
۲۲	شوهرم نیازهای عاطفی مرا تأمین نمی‌کند	۱,۷۹۷۷	۰,۷۸۸۰۴
۲۳	شوهرم برنامه‌ای برای زندگی ندارد	۱,۷۹۶۴	۰,۷۷۰۸۵

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶

۰,۷۷۶۱۴	۱,۷۸۷۵	شوهرم داشتن روابط با خانواده مرا تحمل نمی کند	۲۴
۰,۷۶۴۱۲	۱,۷۷۵۷	شوهرم مرا خشنود نمی کند	۲۵
۰,۸۰۱۴۸	۱,۷۷۴۶	شوهرم زمانی را با دوستانش بدون دانستن من می گذراند	۲۶
۰,۷۸۴۷۹	۱,۷۷۳۴	شوهرم به هشدارهای من درباره زنان غریبه توجه نمی کند	۲۷
۰,۷۹۱۷۵	۱,۷۶۶۹	شوهرم خوش بین نیست	۲۸
۰,۷۷۳۲۲	۱,۷۶۱۴	شوهرم نیازهای مالی مرا برآورده نمی کند	۲۹
۰,۷۷۳۵۵	۱,۷۵۵۳	شوهرم رازهای خانواده را برملا می کند	۳۰
۰,۷۷۸۰۸	۱,۷۵۰۷	شوهرم اجازه خرج کردن پول خودم را به من نمی دهد	۳۱
۰,۷۵۱۵۲	۱,۷۱۸۹	شوهرم درمقابل دیگران آداب معاشرت را رعایت نمی کند	۳۲
۰,۷۴۸۳۹	۱,۶۹۵۸	شوهرم درقبال من مسئولیت پذیر نیست	۳۳
۰,۷۴۴۷۶	۱,۶۷۹	شوهرم مطمئن نیست	۳۴
۰,۷۳۶۸۲	۱,۶۷۸۵	من از ازدواج با شوهرم پشیمان هستم	۳۵
۰,۷۴۴۷۸	۱,۶۶۱۴	شوهرم برای من بخشنده نیست	۳۶
۰,۷۳۰۲	۱,۶۵۸۶	شوهرم برای من محترم نیست	۳۷
۰,۷۳۴۷	۱,۶۵۰۵	شوهرم دروغگوست	۳۸
۰,۷۴۲۷	۱,۶۴۵۴	شوهرم نیازهای جنسی مرا برآورده نمی کند	۳۹
۰,۷۰۸۳۹	۱,۵۵۶۸	شوهرم را دوست ندارم	۴۰

اولین بُعد از ابعاد چهارگانه متغیر شدت خطر طلاق عبارت است از: «غفلت شوهر از خواست‌های همسر». این بُعد مشتمل بر ۴۰ گویه است. داده‌ها حاکی است که عمومی‌ترین غفلت‌ها در کلیه خانواده‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

«شوهرم در خانه‌داری کمک نمی‌کند»، «شوهرم با من درباره خرج و دخل پول تضاد دارد»، «شوهرم به من در مناسبت‌های مختلف هدیه نمی‌دهد»، «شوهرم از تلاش‌های من قدردانی نمی‌کند»، «شوهرم امیدها و آرزوهای مرا نمی‌داند»، «شوهرم با من درباره موضوعات روزانه مشورت نمی‌کند»، «شوهرم به علاقه‌مندی‌های من توجه نمی‌کند». بالاترین میانگین به دست آمده ۲ و کمترین میانگین ۱,۵ است. میانگین مجموع نمره‌های گویه‌های متغیر «غفلت از خواست‌های همسر» برای کل پاسخگویان ۷۲,۴۵ بوده است؛ به عبارت دیگر، میانگین میزان «غفلت از خواست‌های همسر» برای هر گویه ۱,۸۱ بوده است. جدول ۴. توزیع تعداد، میانگین و انحراف معیار گویه‌های بعد «ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و

خانواده‌اش»، متغیر شدت خطر طلاق در خانواده

ردیف	حالت‌های ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش	میانگین	انحراف معیار
۱	شوهرم لجوج است	۱,۹۷۳۷	۰,۸۳۱۶۸

گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق

ردیف	حالت‌های ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش	میانگین	انحراف معیار
۲	شوهرم چیزهایی را از من پنهان می‌کند	۱,۸۸۳۱	۰,۷۹۹۴۷
۳	خویشاوندان همسر در زندگی‌مان فزولی می‌کنند	۱,۸۶۳۸	۰,۷۹۶۶۴
۴	شوهرم پیش‌داوری دارد	۱,۸۵۱۷	۰,۸۱۴۲۸
۵	من عموماً بدخلم	۱,۸۴۵۳	۰,۷۸۹۵۸
۶	خویشاوندان سببی از ما انتظارات بیش‌ازحد دارند	۱,۸۴۰۶	۰,۷۹۷۸۱
۷	بین شوهرم و من تضاد زبانی وجود دارد	۱,۸۰۶۸	۰,۷۸۵۳۹
۸	در تضادها شوهرم ترش‌رویی می‌کند	۱,۷۹۷۸	۰,۷۸۰۰۴
۹	شوهرم رفتار متکبرانه دارد	۱,۷۹۵۳	۰,۷۹۳۱۷
۱۰	شوهرم کینه‌توز است	۱,۷۹۱۴	۰,۷۸۰۴۳
۱۱	شوهرم در تضادهای کوچک مبالغه‌کننده است	۱,۷۸۶۲	۰,۷۶۶۰۴
۱۲	با خویشاوندان سببی تضاد داریم	۱,۷۷۴۵	۰,۷۸۷۷۶
۱۳	شوهرم در عشق‌ورزیدن به من کوتاهی می‌کند	۱,۷۷۴۵	۰,۷۸۷۷۶
۱۴	خانواده شوهر به من بی‌احترامی می‌کنند	۱,۷۷۱۳	۰,۷۷۵۸۸
۱۵	شوهرم مرا محدود کرده است	۱,۷۷۱۳	۰,۷۷۱۱۲
۱۶	شوهرم دهن‌بین است	۱,۷۶۵	۰,۷۶۹۶۳
۱۷	شوهرم سخت‌گیر است	۱,۷۵۸۲	۰,۷۹۱۵۲
۱۸	بین شوهرم و من سوءتفاهم وجود دارد	۱,۷۵۵۵	۰,۷۶۸۲۸
۱۹	شوهرم دودل و مذبذب است	۱,۷۴۴۸	۰,۷۶۷۵۴
۲۰	شوهرم بددهن است	۱,۷۴۴۱	۰,۷۶۰۸۸
۲۱	شوهرم به من توهین می‌کند	۱,۷۲۴	۰,۷۵۵۵
۲۲	بین شوهرم و من احترام گم شده است	۱,۷۰۷۸	۰,۷۴۶۹۶
۲۳	شوهرم مرا با همسر دیگران مقایسه می‌کند	۱,۶۹۲۱	۰,۷۴۱۷۱
۲۴	شوهرم در هنگام مقاربت جنسی تقاضاهای غیرمعمول دارد	۱,۶۷۵	۰,۷۶۰۶۹
۲۵	شوهرم این نکته را که شانس‌های بهتری برای ازدواج داشته است اظهار می‌کند	۱,۶۷۲۶	۰,۷۶۰۹۹
۲۶	شوهرم مرا به دلیل مشغول بودن با خانواده خودش رد می‌کند	۱,۶۶۷۳	۰,۷۲۴۴۲
۲۷	شوهرم به من حسادت می‌کند	۱,۶۶۲۶	۰,۷۳۲۹۳
۲۸	شوهرم از نظر روانی مشکل دارد	۱,۶۱۸۱	۰,۷۳۴۱۷
۲۹	شوهرم به من آسیب می‌زند	۱,۶۰۶۷۴	۰,۶۹۸۶۶۱
۳۰	شوهرم به زن مانند برده نگاه می‌کند	۱,۵۸۱۱	۰,۷۱۶۵
۳۱	شوهرم به من سوءظن دارد	۱,۵۷۵۳	۰,۶۹۱۸۴
۳۲	شوهرم مرا تهدید به طلاق می‌کند	۱,۵۶۸۶	۰,۷۰۳۹۴
۳۳	خانواده شوهرم برای طلاق ما را تشویق می‌کنند	۱,۵۴۸۳	۰,۶۸۸۱۱

دومین بُعد از ابعاد چهارگانه متغیر شدت خطر طلاق عبارت است از: «ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش». این بعد مشتمل بر ۳۳ گویه است. داده‌ها حاکی است که عمومی‌ترین ضعف‌ها در کلیه خانواده‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

«شوهرم لجوج است»، «شوهرم چیزهایی را از من پنهان می‌کند»، «خویشاوندان همسر در زندگی مان فزولی می‌کنند»، «شوهرم پیش‌داوری دارد»، «من عموماً بدخلم»، «خویشاوندان سببی از ما انتظارات بیش‌ازحد دارند»، «بین شوهرم و من تضاد زبانی وجود دارد». بالاترین میانگین به‌دست‌آمده ۱,۹۷ و کمترین میانگین ۱,۵۴ است. این داده نشان می‌دهد میانگین کل نمره‌های پاسخگویان برای کل گویه‌های این متغیر برابر با ۵۷,۳۹ بوده است؛ به عبارت دیگر، میانگین هر گویه ۱,۷۳ بوده است.

جدول ۵. توزیع تعداد، میانگین و انحراف معیار گویه‌های بعد «ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر»، متغیر شدت خطر طلاق در خانواده

ردیف	ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر	میانگین	انحراف معیار
۱	شوهرم ولخرج است	۱,۸۴۲۷	۰,۸۲۴۶۳
۲	شوهرم به خودش می‌نازد	۱,۷۱۵۹	۰,۷۸۷۹۱
۳	شوهرم زیاده‌ازحد به دوستانش می‌پردازد	۱,۶۸۶۱	۰,۷۶۳۱۹
۴	شوهرم برخی مسائل اخلاقی دارد	۱,۶۸۲۸	۰,۷۷۱۴۴
۵	رابطه شوهرم با مردم زیاد مناسب نیست	۱,۶۷۱۹	۰,۷۶۲۰۵
۶	شوهرم دهان بدبویی دارد	۱,۶۵۷	۰,۷۵۴۲۶
۷	شوهرم لذت‌جو و هوس‌باز است	۱,۵۸۲۶	۰,۷۱۸۱۳
۸	شوهرم شاعل نیست	۱,۵۷۹۵	۰,۷۳۹۶۷
۹	شوهرم به الکل اعتیاد دارد	۱,۴۹۶۷	۰,۶۹۴۸۹
۱۰	شوهرم سوء‌مصرف مواد مخدر دارد	۱,۴۸۶	۰,۶۷۷۹۲

سومین بُعد از ابعاد چهارگانه متغیر شدت خطر طلاق عبارت است از: «ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر». این بعد مشتمل بر ۱۰ گویه است. داده‌ها حاکی است که عمومی‌ترین ضعف‌ها در کلیه خانواده‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

«شوهرم ولخرج است»، «شوهرم به خودش می‌نازد»، «شوهرم زیاده‌ازحد به دوستانش می‌پردازد»، «شوهرم برخی مسائل اخلاقی دارد»، «رابطه شوهرم با مردم زیاد مناسب نیست».

بالاترین میانگین به‌دست‌آمده ۱,۸ و کمترین میانگین ۱,۴۸ است. میانگین کل نمره‌های پاسخگویان برای کل گویه‌های این متغیر برابر با ۱۶,۳۹ بوده است؛ به عبارت دیگر، میانگین هر گویه ۱,۶۳ بوده است.

جدول ۶. توزیع تعداد، میانگین و انحراف معیار گویه‌های بعد «ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن»، متغیر شدت خطر طلاق در خانواده

ردیف	ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن	میانگین	انحراف معیار
۱	شوهرم به ظاهر خودش بی‌توجهی می‌کند	۱,۷۸۹۵	۰,۷۸۶۰۷
۲	موقعیت اقتصادی خانواده‌های پدر ما با هم ناسازگار بوده‌اند	۱,۷۷۶۱	۰,۷۷۹۱۵
۳	در سنن خانواده‌های پدری ناسازگاریم	۱,۷۴۸۱	۰,۷۷۷۲۴
۴	در موقعیت اجتماعی خانواده‌های پدری ناسازگاریم	۱,۷۴۳۴	۰,۷۵۰۳۲
۵	در ظواهر ما با هم ناسازگاریم	۱,۷۲۲۲	۰,۷۵۷۲۹
۶	خویشاوندان سببی با ازدواج ما موافق نبوده‌اند	۱,۷۲۰۵	۰,۷۶۹۵۵
۷	شوهرم اجتماعی نیست	۱,۶۷۷۲	۰,۷۴۱۱۶
۸	شوهرم فاقد جاذبه جنسی برای من است	۱,۶۵۶۴	۰,۷۳۹۲۸
۹	شوهرم برای من جاذبه جنسی ندارد	۱,۶۲۲۲	۰,۷۲۹۹۲
۱۰	شوهرم برای میهمانان احترام قائل نمی‌شود	۱,۶۱۳۷	۰,۷۰۸۰۶

چهارمین بُعد از ابعاد چهارگانه متغیر شدت خطر طلاق عبارت است از: «ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن». این بعد مشتمل بر ۱۰ گویه است. داده‌ها حاکی است که عمومی‌ترین ناسازگاری‌ها در کلیه خانواده‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

«شوهرم به ظاهر خودش بی‌توجهی می‌کند»، «موقعیت اقتصادی خانواده‌های پدر ما با هم ناسازگار بوده‌اند»، «در سنن خانواده‌های پدری ناسازگاریم»، «در موقعیت اجتماعی خانواده‌های پدری ناسازگاریم»، «در ظواهر ما با هم ناسازگاریم».

بالاترین میانگین به‌دست‌آمده ۱,۷۸ و کمترین میانگین ۱,۶۱ است. میانگین کل نمره‌های پاسخگویان برای کل گویه‌های این متغیر برابر با ۱۷,۰۹ بوده است؛ به عبارت دیگر، میانگین هر گویه ۱,۵۵ بوده است.

ج. گونه‌شناسی خانواده از نظر خطر طلاق

به منظور ارائه طبقه‌بندی از خانواده‌های شهر تهران، از حیث خطر طلاق، با استفاده از شیوه تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی در برنامه اس.پی.اس. و با در نظر گرفتن چهار متغیر (۱) شدت

خطر طلاق؛ ۲) شدت تهدیدشدن خانواده؛ ۳) قشر اجتماعی؛ و ۴) مرحله چرخه زندگی خانواده، امکان ارائه گونه‌شناسی از خانواده‌های تهرانی برحسب خطر طلاق فراهم شد. گفتنی است آنچه در گونه‌شناسی اهمیت دارد این است که بتوانیم وضعیت هر خانواده فرضی را از حیث نزدیکی به یکی (و الزاماً به یکی) از گونه‌ها تشخیص دهیم؛ به عبارت دیگر، صحت گونه‌شناسی به قابلیت آن در عمل و به‌کارگیری گونه‌شناسی نهفته است. اینکه چه تعداد خانواده از خانواده‌های بررسی شده در هریک از گونه‌ها قابل طبقه‌بندی‌اند، فرع بر فرآیند گونه‌شناسی است.

جدول ۷. توزیع فراوانی نسبی گونه‌های ساخته‌شده به‌وسیله تحلیل خوشه‌ای از خطر طلاق در خانواده

درصد تجمعی	درصد معتبر	گونه‌های خانواده از حیث خطر طلاق	پاسخگویان واقع در گونه‌شناسی
۲۴,۵	۲۴,۵	گونه ۱	
۴۹,۵	۲۵	گونه ۲	
۷۵,۵	۲۶	گونه ۳	
۸۷,۷	۱۲,۲	گونه ۴	
۱۰۰	۱۲,۳	گونه ۵	
-	۱۰۰	جمع	

گونه‌های ۱ و ۲ و ۳ تقریباً هریک ۲۵ درصد از خانواده‌ها و دو گونه دیگر هریک ۱۲ درصد از خانواده‌ها را در خود جای داده‌اند.

اگر بخواهیم ویژگی‌های گونه‌ها را نشان دهیم، به تفکیک هریک از ابعاد چهارگانه یا خرده‌مقیاس‌ها، وضعیت هریک از گونه‌ها به‌صورت ذیل خواهد بود:

جدول ۸. گونه‌های ساخته‌شده به‌وسیله تحلیل خوشه‌ای از خطر طلاق در خانواده‌های تهرانی

گونه‌ها	غفلت از خواست‌های شوهر	ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش	ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر	ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن	شدت خطر طلاق در خانواده	شدت تهدیدات خانواده	نمره قشر اجتماعی
۱	۴۳,۸	۶۷,۴	۱۱,۹	۱۲,۶	۱۱۹,۹	۵۲,۵	۱۵
۲	۴۶,۳	۶۷	۱۳,۵	۱۴,۲	۱۲۹,۹	۱۲۸,۷	۱۶,۵
۳	۸۳,۶	۵۶,۱	۲۰,۰	۲۰,۴	۱۹۳,۵	۸۷,۹	۱۵,۹
۴	۸۸,۵	۶۷,۴	۱۸,۵	۱۹,۱	۱۹۳,۶	۱۴۲,۶	۱۵,۸
۵	۹۲,۰	۶۷	۱۷,۶	۱۹,۹	۱۹۶,۷	۵۴,۶	۱۴,۵
جمع	۷۱,۱	۴۶,۱	۱۵,۹	۱۶,۷	۱۵۹,۹۸	۹۲	۱۵,۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گونه‌های پنج‌گانه از نظر ابعاد متغیر شدت خطر طلاق در خانواده، قشر اجتماعی و شدت تهدیدهای خانوادگی تفاوت‌های جدی دارند. در بین گونه‌ها، سه گونه به قشر متوسط، یک گونه به قشر پایین و یک گونه به قشر سطح بالای خانواده‌های تهرانی تعلق دارد. احتمالاً، اگر نسبت خانواده‌های دو قشر سطح پایین و بالا بیشتر بود و تنوع بیشتری داشتند، گونه‌های بیشتری در هریک از دو قشر شناسایی می‌شد. اما، به دلیل تراکم قشر متوسط ساکن در تهران، و احیاناً پاسخگویی بهتر ایشان به سؤالات، این قشر نقش پررنگ‌تری در بین گونه‌ها دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در این قسمت سعی می‌شود به پرسش‌های اساسی تحقیق پاسخ داده شود. پرسش نخست تحقیق این بود که «چگونه می‌توان میزان خطر طلاق را در خانواده‌های شهر تهران اندازه‌گیری کرد و خانواده‌ها از این حیث به چه گونه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند؟» برای پاسخ به این پرسش، با استفاده اولیه از مقیاس خجسته‌مهر و تکریمی، که پیش از این در خوزستان به کار رفته بود، از قسمت‌های (۱) غفلت از خواست‌های همسر؛ (۲) مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش؛ (۳) ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر؛ (۴) ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن استفاده شد.

- بعد «غفلت شوهر از خواست‌های همسر» دارای دامنه ۴۰ تا ۱۲۰ بوده و میانگین آن ۷۲,۴ محاسبه شده است.
- بعد «ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش» دارای دامنه ۳۳ تا ۹۷ بوده و میانگین آن ۵۹ محاسبه شده است.
- بعد «ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر» دارای دامنه ۱۰ تا ۳۰ بوده و میانگین آن ۱۶,۳ محاسبه شده است.
- بعد «ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن» دارای دامنه ۱۰ تا ۳۰ بوده و میانگین آن ۱۷ محاسبه شده است.
- «شدت خطر طلاق در خانواده» دارای دامنه ۸۰ تا ۲۵۶ بوده و میانگین آن ۱۶۳,۵ محاسبه شده است. معنای این جمله این است که در شهر تهران به‌طور متوسط نمره خطر طلاق ۱۶۳,۵ از ۲۵۶ به‌منزله حداکثر خطر طلاق، با توجه به مقیاس به‌کاررفته است. این موضوع نشان‌دهنده وجود خطر طلاق به‌اندازه نیمی از حداکثر مقدار ممکن آن در شهر تهران

است. این موضوع را درباره چهار بعد دیگر نیز می توان محاسبه کرد. به این ترتیب، نمره خطر در چهار بعد دیگر از این قرار است:

- نمره خطر طلاق از بعد «غفلت شوهر از خواست‌های همسر» برابر با ۴۵,۲۵؛
- نمره خطر طلاق از بعد «ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش» برابر با ۴۵,۳۸؛
- نمره خطر طلاق از بعد «ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر» برابر با ۴۰,۷۵؛
- نمره خطر طلاق از بعد «ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن» برابر با ۴۲,۵ است. بنابراین، شدت خطر طلاق در کل شهر تهران، کمی پایین‌تر از ۵۰ از ۱۰۰ است. پرسش دوم به این صورت بوده است: «کدام متغیرها در گونه‌شناسی خانواده‌ها از حیث خطر طلاق اهمیت بیشتری دارند؟»

برای پاسخ به این پرسش، با استفاده از اطلاعات به دست آمده برای شش متغیر (چهار بعد متغیر شدت خطر طلاق در خانواده (که پیش از این ذکر شد)، شدت تهدیدشدن خانواده و قشر اجتماعی)، و با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، پنج گونه اصلی شناسایی شده‌اند که عبارت‌اند از:

- گونه اول: خانواده‌های قشر متوسط با تهدید خیلی پایین و شدت خطر طلاق خیلی کم (خانواده‌های مستحکم قشر متوسط و کم‌تهدید)
 - گونه دوم: خانواده‌های اقشار سطح بالا با تهدیدشدن زیاد، اما خطر طلاق کم (خانواده‌ای مستحکم قشر سطح بالا با تهدیدهای زیاد)
 - گونه سوم: خانواده‌های اقشار متوسط با تهدیدشدن متوسط، اما خطر طلاق خیلی زیاد (خانواده‌های قشر متوسط غیرمستحکم با تهدیدشدن متوسط)
 - گونه چهارم: خانواده‌های اقشار متوسط با تهدیدشدن خیلی زیاد و خطر طلاق زیاد (خانواده‌های قشر متوسط غیرمستحکم پرتهدید)
 - گونه پنجم: خانواده‌های اقشار سطح پایین با تهدید خیلی کم، اما شدت خطر طلاق خیلی زیاد (خانواده‌های قشر سطح پایین غیرمستحکم و تهدید زیاد)
- گونه‌های پنج‌گانه تفاوت‌های جدی‌ای از نظر ابعاد متغیر شدت خطر طلاق در خانواده، قشر اجتماعی و شدت تهدیدهای خانوادگی دارند. در بین گونه‌ها، سه گونه به قشر متوسط، یک گونه به قشر سطح پایین و یک گونه به قشر سطح بالای خانواده‌های تهرانی تعلق دارد. احتمالاً، اگر نسبت خانواده‌های دو قشر سطح پایین و بالا بیشتر بود و تنوع بیشتری داشت، گونه‌های بیشتری در هر یک از این دو قشر شناسایی می‌شد. اما، به دلیل تراکم قشر متوسط ساکن در تهران و احیاناً پاسخگویی بهتر ایشان به پرسش‌ها، این قشر نقش پررنگ‌تری در بین گونه‌ها دارد.

در توضیح این گونه‌شناسی لازم است گفته شود که دو عامل خطر طلاق و تهدیدهای خانواده به واسطه داده‌های واقعی ترکیب شده و پنج گونه پیش‌گفته را با توجه به پاسخ‌های پاسخگویان به دست داده است. طبیعی است که با ترکیب این دو متغیر و شدت‌های مختلف آن می‌توان به بی‌نهایت گونه رسید، اما بقیه گونه‌ها صرفاً می‌توانند فرضی باشند و رابطه‌ای با واقعیت ندارند.

در تحلیل این گونه‌شناسی، توضیح این نکته لازم است که قشر اجتماعی و تهدیدهای خانواده، غالباً متغیرهایی بیرونی (بیرون از سازمان خانواده) یا برون‌متنی بوده‌اند. اگرچه قشر اجتماعی و تهدیدهای خانواده ارکان مختلف خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هر دو متغیرهایی هستند که از بیرون بر خانواده تحمیل می‌شوند. تهدیدهای اقتصادی، وضعیت کلان جامعه، مناسبات اقشار اجتماعی با هم و جایگاه هر یک در نظام کلی جامعه، از متغیرهای بیرونی خانواده تأثیر می‌پذیرند و متغیرهای چهارگانه «غفلت از خواست‌های همسر»، «ضعف مهارت‌های اجتماعی شوهر و خانواده‌اش»، «ناهنجاری‌های اجتماعی شوهر» و «ناسازگاری شخصی و خانوادگی شوهر و زن» متغیرهایی درونی هستند؛ بنابراین، توجه به متغیرهای بیرونی و درونی از امتیازات این گونه‌شناسی است؛ چراکه بسیار دیده شده است که خانواده با وجود اوضاع نامناسب بیرونی، از حیث درونی وضعیتی پذیرفتنی داشته است یا برعکس.

بنابراین، با توجه به تحلیل‌های نظری، متغیرهای کلان و خرد مؤثر بر خطر طلاق و در تحلیل نهایی وضعیت کلی جامعه و ویژگی‌های خرد خانواده، مثل «فهم و نگرش زن در باب شوهر و خانواده‌اش» از جهات گوناگون می‌توانند تعیین‌کننده خطر طلاق باشند. چنان‌که در مبانی نظری نیز گفته شد، کاهش تعهدات خانوادگی و کاهش علقه‌های خانوادگی می‌توانند از مهم‌ترین عوامل تهدید نظام خانواده محسوب شوند. نتایج تحقیق به‌خوبی پایین‌بودن تعهدات خانوادگی و علقه‌های خانوادگی را در بین شوهران زنان پاسخگو و طبعاً در خانواده‌های دارای خطر زیاد طلاق نشان می‌دهد.

پیشنهادها

به‌اجمال، از دو دسته پیشنهاد می‌توان سخن گفت: اول، پیشنهاد برای محققان بعدی؛ و دوم، پیشنهادها برای مداخله‌ای. به محققان پیشنهاد می‌شود برای گونه‌شناسی هرچه بهتر از خطر طلاق، خانواده‌های مرزی را در دو سوی طیف سلامت و انسجام خانواده بررسی کنند و خانواده‌های بدو ازدواج (قبل از فرزندآوری) و بقیه خانواده‌ها را نیز به‌طور مجزا یا در مقایسه با هم بررسی کنند. به‌نظر می‌رسد نگرش‌ها و ارزش‌های خانوادگی هم در خطرپذیری طلاق مهم

باشند که لازم است در تحقیقات دیگر بررسی شوند. در بحث پیشنهادهای مداخله‌ای، می‌توان از ضرورت کاهش تهدیدهای خانواده، مانند خطر بی‌کاری و ورشکستگی و ناامنی اقتصادی سخن گفت و در بعد خرد از افزایش مهارت‌های اجتماعی زوج‌ها برای تشکیل خانواده، تنظیم بهتر روابط خانواده با خویشاوندان و درک بهتر همسران از وظایف خانوادگی سخن به میان آورد.

منابع

- اسکافی نوغانی، مریم و فرح ترکمان (۱۳۹۳) اثر شبکه‌های اجتماعی در طلاق عاطفی (مورد مطالعه: شهر مشهد)، رساله دکتري دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- باقریان‌نژاد اصفهانی، زهرا (۱۳۸۰) مقایسه ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه تربیت‌معلم.
- تقوی نعمت‌الله (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵) عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- دهقان، فاطمه (۱۳۸۰) مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره زناشویی (غیرمتقاضی طلاق)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم.
- زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان». *مجله خانواده پژوهی*. شماره ۱۱: ۷۳۷-۷۴۹.
- ساروخانی باقر (۱۳۷۶). *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*. تهران: دانشگاه تهران.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۲). *مجموعه اطلاعات آماری ثبت احوال*. تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال
- سلطانیان، نعمت‌الله (۱۳۸۰) بررسی عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق در استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت‌مدرس.
- سیف‌اللهی ننه کران، حجت‌ا... (۱۳۷۲) «بررسی علت‌های طلاق: کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباطی». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳: ۱۴۱-۱۵۲.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۹۰) شاخص‌سازی و گونه‌شناسی خانواده خطرناک، گزارش تحقیق (چاپ‌نشده)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۸۸) *تحولات معاصر خانواده در شهر تهران*، تهران: شهر.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۸۹) *تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران*، تهران: راه‌بین.
- علی‌احمدی، امید (۱۳۹۴) «تحلیل اجتماعی وضعیت و تغییرات ازدواج و طلاق»، *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران*، تهران: مرکز.

علی‌اسماعیلی، مینا (۱۳۷۴) بررسی عوامل مؤثر در تقاضای طلاق زنان ۲۰ تا ۴۰ سال شهر تهران و مقایسه آن با عوامل رضامندی زنانی که چنین تقاضایی نکرده‌اند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

غلامحسین گودرزی، منوچهر (۱۳۷۹). تعیین علل طلاق و بررسی اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در شهر تهران در سال ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد آمار حیاتی. دانشگاه علوم پزشکی. فاتحی دهقانی ابوالقاسم*، نظری علی محمد (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان». مجله مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۵: ۱۳-۵۴.

قطبی، مرجان و دیگران (۱۳۸۲). «بررسی وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد در تابستان ۱۳۸۲» مجله رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۲: ۲۷۱-۲۸۶.

گلشن، صیاد (۱۳۷۲). بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت شناختی مؤثر بر آن در سالهای ۱۳۶۴-۱۳۷۰ در شهرستان خوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. مددی حسین (۱۳۷۸). بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی - اجتماعی) در شهرستان اراک در نیمه دوم ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. مشکئی، مهدی و دیگران (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال های ۸۸-۱۳۸۷». مجله افق دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد دوره ۱۷؛ شماره ۱: ۳۵ - ۴۵.

مهرخانه، پایگاه تحلیلی-خبری خانواده و ازدواج (۱۳۹۶) «بررسی و مقایسه آماری طلاق‌های ثبت‌شده طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵، دسترسی در: <http://mehrkhane.com>.

مهدیخانی سرو جهانی، ام لیلا (۱۳۸۳). زنان و طلاق در اسلام شهر: مقایسه زنان متقاضی طلاق و زنانی که همسرانشان متقاضی طلاق هستند. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهراء.

هاشمی پطرودی، محمد جواد (۱۳۷۶). تعیین فراوانی طلاق یا درخواست طلاق در مراجعه کنندگان به مطب های روانپزشکی در شهر کرمان. پایان نامه دکتری. دانشگاه علوم پزشکی تهران. هنریان، مسعوده و سید جلال یونسی (۱۳۹۰). «بررسی علل طلاق در دادگاههای خانواده تهران». مجله مطالعات روان شناسی بالینی. مقاله ۷، دوره ۱، شماره ۳: ۱۲۵-۱۵۳.

یوسفی، ناصر و کیومرث بشلیده (۱۳۸۹). «خوش‌بینی و بدبینی و باورهای مذهبی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق»، مشاوره کاربردی، دوره اول، شماره ۲: ۷۳-۹۶.

Ambert, A. (2009). *Divorce: Facts, Causes & Consequences*, Vanier Institute of the Family.

- Cohen G. J. (2002). "Helping children and families deal with divorce and separation". American Academy of Pediatrics. Committee on Psychosocial Aspects of Child and Family Health. Pediatrics. 110(5):1019-23.
- Heaton, T. B. (2002). "Factors Contributing to Increasing Marital Stability in the United States", *Journal of Family Issues*, Vol. 23 No.3: 392-409.
- Jalovaara, M., (2002) *Socioeconomic Differentials in Divorce, Risk by Duration of Marriage*. in <http://www.demographic-research.org>
- Khojastehmehr R. & A. Takrimi (2009). "Identification of Divorce Factors of Women". *Journal of Applied Sciences*, 9: 3758-3763.
- Kiernan, K. & G. Mueller (1998). *The Divorced and Who Divorces?* , Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics [.http://sticerd.lse.ac.uk/case.htm](http://sticerd.lse.ac.uk/case.htm)
- Kippen, R., B. Chapman & P. Yu (2009). "What's Love Got to Do With It? Homogamy and Dyadic Approaches to Understanding Marital Instability," Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research.
- Popenoe, D. (2007) "The Future of Marriage in America," University of Virginia/National Marriage Project/the State of Our Unions.
- Qian, Z. (2007) *Serial Cohabitation: Implications for Marriage, Divorce, and Public Policy*, Brown University Population and Training Center.
- Rodrigues, A. E., J. H. Hall, S. Buffalo, & F. D. Fincham (۲۰۰۴). "Predictors of Divorce and Relationship Dissolution". *Handbook of divorce and relationship dissolution*. rlbaum. <http://www.fincham.info/papers/divorce-fine.pdf>
- The Barna Group (2008). "Divorce among Adults Who Have Been Married," <http://www.barna.org/barna-update/article/15-familykids/42-new-marriage-and-divorce-statistics-released>.
- Wagner, M. & B. Weib, (2002). "A Meta-Analysis of German Research on Divorce Risks," Research Institute for Sociology University of Cologne G/reinstr. 2 50939 Cologne mwagner@wiso.uni-koeln.de .Paper prepared for the conference on
- Wolfinger, N. (200). *Understanding the Divorce Cycle*, Cambridge University Press,